

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حمید بهشتی

۱۶ می ۲۰۱۱

نهضت آزادی،

پنجاه سال مبارزه قانونی با استبداد

پنجاهمین سالگرد نهضت آزادی مقارن است با امواج نهضت آزادیخواهی و دموکراسی طلبی در جهان عرب. مبارزه برای آزادی و رهائی از چنگال استبداد پس از سالها درگیری با ناسیونالیسم عربی و اسلامگرایی، اعراب را به دموکراسی طلبی رهنمون گشته است.

استبداد که وجه مشترک غالب قریب به اتفاق جهان اسلام است، بی جهت نیست که اعراب را از اسلامگرایی به دموکراسی طلبی کشانده است. زیرا این ایده که دموکراسی و خواست بشر ممکن است با خواست خدا در تضاد قرار گیرد، بسیاری را بر آن داشت که دموکراسی را به عنوان راه حل سیاسی نپذیرند. بی توجه به اینکه اینگونه برداشت از خواست خدا می تواند مبنای استبداد باشد.

۱ – راستی این پرسش مطرح است که چرا در جهان اسلام و در سراسر تاریخ آن دائما استبداد حاکم بود است و هر گاه ملت ها در فرصت هائی برای رهائی از آن قیام کرده اند، پس از چندی دوباره بدان دچار گشته و استمرار استبداد وجه غالب جوامع اسلامی می باشد؟ آیا باور به خواست خدائی که نه تنها انسانها باید بدان تمکین کنند، بلکه با هیچ منطق و خردی نیز قابل درک نباشد، مبنای تداوم استبداد نیست؟ این پرسش در باره باور به خدا و ارتباط احتمالی آن با استبداد یکی از مهم ترین مسائل عقیدتی مسلمانان عصر حاضر است.

مشیت الهی بالاتر از همه چیز است. این برداشتی است که ما در اسلام از خدا داریم. از باور مذکور جمعی بدین نتیجه می رسند که خدا به هیچ قانونی و به هیچ مبنائی که در فکر بشر بگنجد مقید نیست و هیچ قانون و قانونمندی برای خدا صدق نمی کند. زیرا مطلق بودن خدا با قائل بودن به هرگونه قیدی برای او در تناقض است.

راستی از خلقت خدا در طبیعت و هستی به هیچ قانونمندی فراگیری نمی رسیم و اگر در هستی قانونمندی فراگیری یافت شود، آیا بدین معنا نیست که خداوند – به فرض اینکه او خالق طبیعت باشد – به آن قانونی که خودش برای کار خود مقرر نموده، مقید است؟

۲ – اصرار بر مطلق بودن صفات الهی و باور منتج از آن به فقدان تعهد خداوند به قوانین خودش برای باورمندان به این برداشت دلیل آن است که حق را برتر از هر قانونی بدانند. البته مسلم است که قانون باید بر حق استوار باشد تا بتواند حقانیت یابد. اما باورمندان به استبداد الهی از این اصل کلی چنین نتیجه می گیرند که به هیچ قانونی مقید نمانند. هر کدام از آنها که بناء به تصور خویش در فهم خواست خدا و قوانین الهی به مدارجی رسیده است، دیگر حاضر به تمکین به قانون نمی باشد. اینگونه باور به خدا و خواست او از دلایل فکری فرهنگ استبدادی است. تجربه سی ساله حکومت ولایتی در ایران – تحت عنوان جمهوری اسلامی – و حاکمیت اسلام قشری طالبان بر افغانستان آنچنان گیرائی منفی داشت که انقلابیون عرب را در جنبش آزادیخواهی آغاز دهه دوم قرن بیست و یکم به رویگردانی از اسلامگرائی در امر حکومت کشاند.

مبارزه برای ریشه کن ساختن فرهنگ استبدادی بدون کوشش برای تصویب بهداشتی باور به خدا، مبارزه ای سطحی باقی می ماند. تا خدای مستبد را از قلوب و باورهای خویش نزدائیم زندان کشیدن ها و شهید شدن ها برای نیل به آزادی گذرا خواهد بود.

چه خوش گفت خاتمی: "مشکل ما استبدادزدگی تاریخی است که تا درمان نشود، هر راهی و کاری که پیشنهاد شود به بیراهه می رود و دشواری ایجاد می کند."

حمید بهشتی – ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰

لینک <http://www.irangreenvoice.com/article/۲۰۱۱/may/۰۸/۱۲۹۳۳>